



قرآن کریم :

امروز (عید غدیر) دین شما را کامل کردم  
و نعمت خود را (به ولایت علی بن ابیطالب) بر شما تمام نمودم  
و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده: آیه ۳

[WWW.BEITOLABAS.COM](http://WWW.BEITOLABAS.COM)

[WWW.GHAMAR.COM](http://WWW.GHAMAR.COM)

امیرِ غدیر / تالیف جمعی از نویسندگان هیئت بیت العباس علیه السلام  
- اصفهان: راهیان فرهنگ، ۱۳۸۲ .

ISBN 904\_94781\_2\_4

۸۰ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

این کتاب اقتباس از کتاب « صوت العدالة الانسانیة » جورج جورداق می باشد.

۱- علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. ۲- غدیر خم. ۳- ولایت.

۲۹۷/۹۵۱

الف. هیئت بیت العباس علیه السلام. ۸۴۷ الف / BP۳۷/۳۵

۳۲۴۰۰-۸۲ م

کتابخانه ملی ایران

## امیر غدیر

با اقتباس از کتاب « صوت العدالة الانسانیة »

جورج جورداق مسیحی

تألیف: جمعی از نویسندگان هیئت بیت العباس علیه السلام

ناشر: انتشارات راهیان فرهنگ

شابک: ۹۶۴-۹۴۷۸۱-۲-۴

چاپ: اول

تیراژ: ۳۶۵۰۰۰

قیمت: رایگان

## فهرست

- بزرگی ناشناخته ..... ۳
- علی علیه السلام در دامان مهر ..... ۸
- اولین سجده ..... ۹
- غدیر خم ..... ۱۰
- تنها علی علیه السلام چنین بود! ..... ۱۱
- شبى طولانى ..... ۱۲
- سیمای نور ..... ۱۳
- حضرت امیر علیه السلام و آدابِ نبوی ..... ۱۴
- زهد و پیشرفت ..... ۱۶
- حضرت امیر علیه السلام و مردم‌داری ..... ۱۸
- حضرت امیر علیه السلام و عدالت الهی ..... ۱۹
- حضرت امیر علیه السلام و حقوق بشر ..... ۲۱
- حضرت امیر علیه السلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر ..... ۲۲
- دانشمندی فرزانه ..... ۲۵
- حضرت امیر علیه السلام متعلق به همه نسل‌ها و عصرها ..... ۲۷
- حضرت امیر علیه السلام و اروپاییان ..... ۲۸
- کمی هم از دشمنان حضرت بخوانید! ..... ۳۰
- هفت دریا و یک برکه ..... ۳۲
- ما و غدیر ..... ۳۴
- مسابقه بزرگ غدیر ..... ۳۷

## اهداء

این اثر را از طرف خود و همه جوانانی که ما را در فراهم آوردن آن یاری نمودند، به اولین شهیده ۱۸ ساله غدیر، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرزند شش ماهه اش حضرت محسن علیه السلام هدیه می‌نماییم.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم

اجمعين

### بزرگی ناشناخته

می‌خواهیم از بزرگ‌مردی ناشناخته بگوییم که با هر دسته از مردم به مرام خود سخن می‌گفت و برخورد می‌نمود، با متفکران از نظر بلندی فکرشان، با نیکوکاران از جهت نیکی عمیقشان، با دانشمندان به علم بی‌پایانشان، با محققین از حیث تحقیق و کاوش مستمرشان، با محبت پیشگان از نظر محبتشان، با بی‌رغبتان به دنیا به زهد و بی‌رغبتیشان، با مصلحین اجتماعی از جهت اصلاحاتشان، با دردمندان درد فراوانشان، با ستم‌دیدگان از حیث احساس و مظلومیتشان، با ادیبان به ادبشان، با قهرمانان از نظر شجاعتشان، با شهیدان به درجات

والایشان و با انسانیت هر زمانی به آنچه که آنرا شرف می‌بخشد و بلندمرتبه می‌سازد، برخوردار می‌کرد.

او که دانشمندی بی‌همتا، ادیبی یگانه، مدیری توانا، فرمانروا و رهبری دلسوز است به سوی تو می‌آید تا احساسات انسانی‌ات را تحریک کرده و به جنبش درآورد و در اعماق دل و جان تو این احساس و عاطفه شادی آفرین را جای دهد که «برخورد تو با مردم باید به آرامی و مهربانی باشد».

«کسی را که به تو ستم کرده، ببخش و به کسی که تو را محروم ساخته، عطا کن و با کسی که با تو قطع رابطه نموده، پیوند کن و با آنکه نسبت به تو دشمنی می‌ورزد، مدارا کن». آری، می‌خواهیم از تنها فرمانروایی بگوییم که به خاطر مردم لحظه‌ای آرام نگرفته و در تمام عمر یکبارهم غذایی سیر نخورده و درهمی ذخیره نساخته است چرا که شاید در گوشه‌ای از سرزمین وسیع تحت فرمانرواییش، گرسنه‌ای باشد که هیچ‌گاه سیر نشده است. و حتی به فرزندان و یاران خود نیز توصیه می‌کند غیر از این راه و روش را نپیمایند. از برادر خود به خاطر یک دینار که از بیت المال بدون دلیل درخواست، بازخواست کرده، و یاران خود را برای تگه نانی که به رشوه از ثروتمندی گرفته و خورده‌اند، محاکمه کند و به فرماندار خود در اهواز پیغام دهد: «به خدا سوگند، اگر خبردار شدم به بیت‌المال مسلمین خیانت کرده‌ای، کم باشد یا زیاد، آنچنان کار را بر تو سخت گیرم که بیچاره، خسته و ناتوان گردی».

و دیگری را با این سخن کوتاه و نغز می‌ترساند که: «به من خبر رسیده زمین را درو و هر چه زیر پایت بوده غصب کرده‌ای و آنچه را به دست رسیده خورده‌ای، باید حساب پس دهی و اوضاع مالیت را برای من گزارش نمایی».

او تنها امیری است که در زمان ریاستش به دست خود آسیاب چرخانده و کفش خود را به دست خود وصله می‌زند.

او یگانه عادل است که همیشه بر پایه حق عمل می‌نموده، حتی اگر همه مردم روی زمین بر علیه او متحد می‌شدند و دشمنانش دشت و بیابان را پر می‌ساختند، زیرا که عدالت آنچنان با اخلاق او پیوند خورده بوده که گویی خونی باشد در رگهایش و روحی باشد در جسمش.

او که مبارزی دلاور و شجاع در عین حال مهربان است، لشکریان دشمن را بدین خاطر که انسانند دوست می‌دارد و آنچنان در این مهرورزی پیش می‌رود که به یاران خود توصیه می‌کند: «تا جنگ را شروع نکرده‌اند با آنها نجنگید و اگر به یاری خدا بر آنها پیروز شدید، آن کسی را که به شما پشت کرد نکشید و آن را که فرار می‌کند تعقیب ننمایید. زخمی‌شدگان را مرحم نهید و یاریشان نمایید و به زنانشان آزار نرسانید.»

و هنگامی که بر دشمنان خود تسلط می‌یافت، آنان را برای نوشیدن آب بر سر همان رودی دعوت می‌کرد که قبلاً خود آنها مسلمین را از آن محروم کرده بودند و به یاران خود می‌گفت: «پاداش مجاهدی که در راه خدا شهید گردد، بیشتر از آن کسی نیست که قدرت انتقام داشته ولی گذشت نموده و ببخشد. شاید کسی که از اشتباه دیگران می‌گذرد از فرشتگان باشد» و از شدت مهربانی در مورد قاتل خود نیز سفارش نموده و می‌گوید: «اگر او را ببخشید به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.»

و اوست تنها سیاستمداری که به جای تمسک به هر حيله‌ای برای پیروزی، می‌گوید: «کسی که گناه و زشتی بر او غلبه داشته باشد پیروز نیست و آن کس که با خدعه و نیرنگ بر دیگران غلبه نماید در واقع شکست خورده است.»

و در حالی که از بدی‌های دیگران حتی دشمنانش چشم‌پوشی می‌کرد، یادآور می‌گردید که: «بهترین عمل مردان شریف چشم‌پوشی از بدی‌های دیگران است.»

او که رهبر بیش از ۵۰ کشور از شرق آسیا تا غرب اروپا و از آنجا تا انتهای قاره آفریقا بود از تمام قدرت‌ها و ثروت‌های حکومتش دست کشید با آنکه می‌توانست همانند حاکمان و فرمانروایان دیگر به فکر خود و خویشانش باشد. دنیا هم با تمام زر و زیورش نتوانست لحظه‌ای او را فریب دهد و او در حالی که از ساده‌ترین امکانات دنیوی نیز دل‌کنده بود

خطاب به دنیا و زیورهای دنیوی می گفت: « دنیا به سوی دیگری رو کن که من تو را سه طلاقه نموده‌ام! ».

دشمنان خود را با برخوردی نیکو پند و اندرز می داد. هنگامی که به او ناسزا می گفتند، یاران خود را به خویشتن داری دعوت کرده و می گفت: « برادر خود را با نیکوی کردن توبیخ کند، و با نیکوکاری بازش گردانید ».

و زمانی که به او پیشنهاد می دادند برای حفظ حکومتش با بعضی از تبهکاران کنار آید می گفت: « دوست تو کسی است که تو را از زشتی بازدارد و دشمن تو کسی است که تو را اغفال کرده و فریب دهد ».

و پس از آن ادامه می داد: « راستی را بر دروغ ترجیح ده اگر چه بر ضد تو باشد ».

و او که پیشوایی دینی و رهبری مذهبی بود به فرمانداران خود توصیه می کرد به هیچ گروهی از مردم ظلم نکنید حتی با مخالفینی که هم عقیده تو نیستند چرا که « مردم یا برادر دینی تواند یا انسانی همانند تو »، « آنچه از آنان گذشت کرده، چشم پوشی نماید که دوست دارید خداوند از عیب شما چشم پوشی کرده، گناهتان را بیخشد ».

### کتابی جاوید

از همه اینها گذشته او صاحب کتابی بی نظیر در تاریخ بشریت است.

کتابی نورانی که چون اقیانوسی بی کران لبریز است از سخنانی حکیمانه و احساسی عمیق و ادراکی ژرف، بیاناتی با شور و شوق حاکی از واقعیت و گرمی حقیقت، زیبا و نغز. و از نقطه نظر اشتراک حس تجسم و بینایی به گونه‌ای که گویی معانی را به صورت تابلوهای

هنری بدیعی درمی آورد لبریز از بدایع هنری، آمیخته با شکلها و آهنگها، سرودها و رنگها!

مجموعه‌ای است که اگر از روی انتقاد سخن گوید تندباد خروشان است و اگر فساد و مفسدین را تهدید کند همچون آتشفشانهای سهمناک و پرغرش زبانه می کشد و اگر به استدلال پردازد عقلها و احساسات بشری را مورد توجه قرار داده و راه هر توجیهی را؛ هه می بندد.

اگر به تفکر و دقت دعوت کند حس و عقل را در تو همراه می‌سازد و به سوی آنچه که خیر تو در آنست رهنمون می‌شود و تو را آنچنان با جهان و هستی پیوند داده و نیروها و قوای تو را متحد می‌گرداند که حقیقت را کشف کنی!

اگر تو را پند و اندرز دهد، مهر و عاطفه پدری، راستی و وفای انسانی و گرمی محبت بی‌انتهای آن خواهی یافت. و اگر با تو از ارزش هستی و زیباییهای خلقت و کمالات جهان آفرینش سخن گوید آن‌ها را با مرکبی از نور ستارگان در قلب تو می‌نویسد.

آری، او در این کتاب خود تمامی احتیاجات روحی و جسمی آدمیان را بیان کرده و راه و روش پیشرفت و تکامل را در زمینه‌های مختلف علمی از روانشناسی و جامعه‌شناسی تا پزشکی و اخترشناسی در اختیار بشریت گذاشته و آنان را به سوی قله‌های رفیع کمال دعوت می‌کند.

این کتاب از چگونگی آفرینش موجودات در ژرفای دریا تا اعماق آسمان‌ها از انسیان، جنیان و پریان سخن می‌گوید و کلامش که نشأت گرفته از کلام خداوند است پایین‌تر از کلام خدا و بالاتر از سخن مخلوق است.

آری ای خواننده عزیز!

این بزرگ‌مرد با این خصوصیات منحصر به فرد و درجات بالای اخلاقی و علمی کسی نیست مگر، کشته حق و حقیقت، پدر شهیدان، امیر مؤمنان حضرت «علی بن ابی طالب علیه السلام»، صدای عدالت بشریت، یگانه شخصیت جاوید عالم و صاحب کتاب شریف «نهج البلاغه».

ای روزگار! تو را چه می‌شد تا در هر عصر و زمانی، بزرگ‌مردی به نام «علی» را بدان درک و احساس و بیان و شمشیر به انسانیت عطا می‌کردی!

اما افسوس که سعادت یاری ننموده و توفیق زندگی در سایه حکومت عدل علوی را در کنار حضرت امیر علیه السلام نداشتیم، ولی جای بسی امیدواری است که در دوران حکومت



و امامت یگانه وارث علوم علوی و یادگار شجاعت حیدری یعنی بقیه الله الاعظم

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بسر می‌بریم. پس بیاید با اطاعت از خداوند متعال و پیروی از رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم قرآن و عترت پاک پیامبر علیهم السلام را راهنما و الگوی خویش در لحظه لحظه عمرمان قرار داده، از خداوند ظهور و رهایش از غربت و غیبت را طلب کرده و دست یاری به سویس دراز کنیم تا جهان را با ظهورش از هر گونه ظلم و ستمی برهاند و لبریز از صفا و صمیمیت نماید.

## علی علیه السلام در دامان مهر

قریش که با یک بحران اقتصادی و قحطی شدیدی روبرو شده بود پیامبر را به فکر کمک به فقرای مکه و خویشان خود، انداخت.

بدین خاطر به نزد دو عموی خود حمزه و عباس رفته و ایشان را برای کمک به عموم مردم از یک طرف و ابوطالب از سوی دیگر تشویق نمود. آن دو نیز به اتفاق پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم نزد ابوطالب رفته و برای کمک به او عباس «طالب»، حمزه «جعفر» و پیامبر «علی علیه السلام» را به فرزندی برگزیدند.

پیامبر که علی علیه السلام را در شش سالگی به خواست خداوند انتخاب نموده بود، پس از این ماجرا او را در دامان مهر و عاطفه خود جای داد و تربیت نمود.

علی علیه السلام که محبوب ترین افراد در قلب و زبان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بود آنچنان به پیامبر نزدیک شد که وارث تمام خوبی های او گردیده و رابطه ایشان را از برادری دینی به برابری روحی کشانید و در حقیقت محمد صلی الله علیه وآله وسلم جان علی علیه السلام و علی علیه السلام جان محمد صلی الله علیه وآله وسلم شد.

## اولین سجده

قلب علی علیه السلام برای نخستین بار از عشق رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به طپش درآمد و چشمانش از اولین روز چهره دلربای او را دید و از همان کودکی لب به سخنانی که از حضرت فرا گرفته بود، باز کرد.

روی آوردن علی علیه السلام به اسلام با وجود سن کم او عمیق تر و ریشه دارتر از آن بود که شرایط و اوضاع روزگار بتواند بر آن تأثیر بگذارد که خود نشانگر ایمان کاملی بود که مانند آبی که از سرچشمه بیرون می آید از روح او برمی خاست.

از آنجا که علی علیه السلام پاره ای از وجود بزرگ رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بود، زمانی اسلام خود را آشکار کرد که دیگران مشغول بت پرستی بودند. بدین جهت:

اولین سجده علی علیه السلام بر خدای محمد بود

و اولین سجده مسلمانان دیگر، بر خدایان قریش!

این اسلام آن مردی است که در سایه پیامبر پرورش یافته و بعد از او پیشوای درستکاری و الگوی عدالت پروران گردیده، سگان ناخدای کشتی دستخوش امواج سهمگین و طوفانهای شدید را به دست گرفت و آن را از نابودی نجات داد.

## غدیر خم

پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم که می خواست به مردم نشان دهد علی علیه السلام تنها کسی است که صلاحیت جانشینی نبی و رهبری مردم را پس از او دارد به دستور خدا به روشهای مختلف افکار عمومی را متوجه عظمت شخصیت علی علیه السلام نمود.

یعقوبی در جلد دوم تاریخ خود می گوید:

پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم در ۱۸ ذی الحجّه پس از بازگشت از آخرین حج خود در حالی که به مدینه می رفت در کنار برکه ای به نام « غدیر خم » که در نزدیکی جحفه بود، توقف نمود (و در میان جمعیتی بیش از ۱۲۰ هزار نفر) در ضمن خطبه ای دست علی علیه السلام را بلند کرد و گفت: « هر که من رهبر اویم این علی رهبر اوست. خداوندا! دوست علی را دوست بدار و دشمن علی را دشمن ».

و در تفسیر فخر رازی می خوانیم: عمر بن خطاب پس از ماجرای غدیر خم، علی را ملاقات کرد و به او گفت: مبارک باد بر تو ای پسر ابوطالب، بعد از این رهبر من و رهبر هر مرد و زن با ایمان شدی.

پیامبر که مهم ترین رسالت خود را در حق بشریت انجام داده بود الگو و رهبری شایسته چون حضرت امیر علیه السلام را از جانب خداوند<sup>۱</sup> به تک تک افراد عالم از زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان معرفی کرد.

۱- (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ). سوره مائده، آیه ۶۷

ای پیامبر آنچه از خدا بر تو نازل شد (در معرفی علی بن ابیطالب به عنوان جانشین خود) به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده ای. و خدا تو را از شرّ و آزار مردم محفوظ خواهد داشت، نترس و دل قوی دار که خدا کافران را به هیچ راه موفقیتی راهنمایی نخواهد نمود (این آیه راجع به غدیر و خلافت علی علیه السلام است).

هر موقعیتی برای پیامبر فرصتی بود تا توجه مردم را به علی علیه السلام جلب کند، در جایی می فرمود:

« نگاه کردن به صورت علی عبادت است ».

و در محفل دیگری به عده‌ای از یاران خود می فرمود: « اگر می خواهید علم آدم، همت و عزم نوح، خوی ابراهیم، مناجات موسی، زهد عیسی و هدایت و علم محمد را ببینید به آن کس که می آید نگاه کنید. همه گردن کشیدند، ناگاه علی بن ابیطالب علیه السلام را دیدند ».

### تنها علی علیه السلام چنین بود!

آنچه را تا کنون خوانده‌اید قطره‌ای است از اقیانوس بی کران فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام که او را قسمتی از ذات پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم نموده و به لطف خدای هستی آفرین خصلت‌ها و فضیلت‌هایی در او بروز کرده که کسی را در آن یارای مقابله با علی علیه السلام نیست:

\* علی علیه السلام تنها کسی است که در « کعبه » قبله جسم و جان مسلمانان جهان متولد گردید.

\* علی علیه السلام اولین کسی بود که همراه پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم به نماز ایستاد.  
\* علی علیه السلام نخستین جوانی بود که اسلام را برگزید. وقتی به او اعتراض کردند که چرا بدون مشورت و اجازه پدرش اسلام آورده است، بلافاصله پاسخ داد: مگر خداوند در خلقت من با ابوطالب مشورت کرد که من برای عبادت و بندگی خدا با او مشورت کنم؟!!

\* علی علیه السلام تنها خطشکن و پرچم دار اسلام در هر جنگ و مبارزه‌ای در کنار

رسول الله صلی الله و علیه و آله وسلم بود.

\* علی علیه السلام تنها قهرمانی بود که با تمام وجود شجاعت لبریز از شهامت خویش را

وقف پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم و پیشرفت رسالت وی نمود.

\* در جنگ خندق که قلب یاران پیامبر مضطرب و دل‌هایشان متزلزل شده بود در حالی که

بهترین اصحاب از حضرت دور شده بودند، تنها علی علیه السلام بود که چون کوهی محکم و

استوار در مقابل دشمنان ایستاد و مانند همیشه امید پیروزی را در دل مسلمانان زنده کرده،

قریش و قهرمانانش را شکست داد.

\* در جنگ خیبر هم جهاد علی علیه السلام را باید بسیار بزرگ شمرد که چگونه خیبری را

که قهرمانان و جنگجویان دلاور دشمن در آن جمع شده بودند و همه همراهان پیامبر حتی

ابوبکر و عمر از فتح آن درمانده بودند، فتح نمود.

## شب‌ی طولانی

و اما از همه شگفت‌انگیزتر واقعه « لیلۃ المبیت » است:

تاریخ قهرمانان فراوانی را می‌شناسد که در راه یک هدف عالی و آرمانی شهید شده‌اند

ولی شهادت بسیاری از آنها در زمانی کوتاه صورت گرفته و طعم تلخ انتظار مرگ را

نچشیده‌اند.

اما چقدر شگفت‌انگیز است وقتی علی بن ابیطالب علیه‌السلام در راه عقیده خود و در راه حق، وارد معرکه‌ای گردید که تاریخ بهتر از آن را نمی‌شناسد. همان معرکه‌ای که دلیلی روشن بر وحدت و یگانگی حضرت محمد صلی الله و علیه و آله وسلم و علی علیه‌السلام گردید. آن هنگامی که آزار قریش شدت یافته و کوشش می‌کردند با قتل رسول خدا صلی الله و علیه و آله وسلم ریشه اسلام را قطع کنند، پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم که تنها چاره باقیمانده را هجرت از مکه می‌دانست مخفیانه به پسر عمویش علی علیه‌السلام سپرد که برای نجات جان او پس از بر تن کردن قبای سبز رنگ حضرت در بستر ایشان بخوابد و از آن پس برای رسیدگی به امور پیامبر در مکه مانده و امانات مردم را به آنان بازگرداند.

حضرت امیر علیه‌السلام نیز با کمال میل و افتخار فرمان پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم را پذیرفت و خود را آماده شهادت در راه دفاع از حق و حقیقت نمود. و این خود نشانگر آمادگی همیشگی او بر جهادی طولانی بود!

و به راستی گذشت و فداکاری علی علیه‌السلام در آن شب، که سبب بقاء و استمرار اسلام و رسول الله گردید،<sup>۱</sup> چشم‌اندازی از مردانگی، وفا، پاکی، شجاعت و همه خوبی‌هایی بود که علی علیه‌السلام آینه تمام‌نمای آن است، بلکه نمونه‌ای بود عملی از شهادت و جانبازی آینده او در این راه بزرگ...

## سیمای نور

قامتی متوسط و متناسب، رنگ چهره به شدت گندمگون، چشمانی درشت و سیاه با رویی گشاده و لبانی همیشه خندان، گردنی افراشته و شانه‌ایی پهن و دست و پنجه‌ای درشت.

۱- یادآور حدیث قدسی است که خداوند به پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم فرمودند: «اگر تو نبودی، افلاک را نمی‌آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم.»

از نظر نیرو و قوای بدنی به قدری قدرتمند بود که باعث تعجب همگان می‌گردید و چه بسیار دیده می‌شد که سوارکار قهرمانی را به سادگی چون کودکی تازه متولد شده با دست بلند می‌کرد و به زمین می‌کوبید.

گاهی دربی بزرگ را برمی‌داشت که قهرمانان از کندن و به حرکت درآوردن آن عاجز و ناتوان بودند در حالی<sup>۱</sup> که او آن را با یک دست می‌گرفت و مانند سپری عادی در مقابل خود قرار می‌داد.

## حضرت امیرعلیه‌السلام و آداب نبوی

برخورداری از اخلاق نیکو که یکی از مهم‌ترین معیارهای انسانیت است، آنچه‌ان در وجود حضرت امیرعلیه‌السلام رشد نمود و به تکامل رسید که او را جامع تمام صفات عالی و دربردارنده انواع خوبیهای نمود که هر کدام به اندازه کمی در وجود یکی از خوبان قرار داشت.

« آنچه خوبان همه دارند، تو یکجا داری »

او که در عبادت و زهد، مردانگی و شجاعت، اخلاص و عدالت، راستی و صراحت، ساده‌زیستی و اعتماد به نفس و هزاران هزار برتری اخلاقی دیگر گوی سبقت را از همه خوبان عالم ربود و نام خود را بعد از یگانه معلم اخلاق خود، حضرت محمدصلی الله وعلیه وآله وسلم در سرلوحه نیکوسیرتان عالم ثبت نمود، در عبادت و پرهیزکاری در میان تمام

یاران پیامبر زبانه زد گردید، آن هم نه از ترس خدا و نه به امید بهشت بلکه فقط به شکرانه نعمت‌های الهی.

در « مردانگی » بی‌نظیر بود و هنگامی که در جنگ صفین شنید یارانش به شامیان که راه مکر و حيله را در پیش گرفته بودند، دشنام می‌دهند گفت: « من دوست ندارم چنین باشید ولی نقد و بررسی اعمالشان بهتر از ناسزا گفتن است. باید گفت: خداوندا خون ما و آنان را حفظ کن، میان ما و آنان صلح ایجاد کن، آنان را از گمراهی نجات ده تا کسی که حق را نشناخته آن را بشناسد و آن کس که به ظلم و تجاوز پناه برده و آلوده گشته باز گردد ».

حضرت امیرعلیه‌السلام - در حالی که هیچ کس چشم دیدن دشمن خویش را ندارد چه رسد به آنکه دشنامی نیز از او بشنود - با دشمنان خود آنچنان برخورد می‌کرد که معلمی مهربان با شاگردان نادان خود، هیچ‌گاه حتی به بدترین آنان نیز ظلمی نکرد و تا می‌توانست سعی در حل اختلافات از راههای مسالمت‌آمیز می‌نمود تا شاید بدین شیوه قانع گردند و از خون‌ریزی و جنگ جلوگیری شود و به فرزندش امام حسن‌علیه‌السلام می‌فرمود: « هیچ‌گاه کسی را به مبارزه دعوت مکن ».

از مهم‌ترین دلایل قطعی عظمت و عمق وفای حضرت امیرعلیه‌السلام - که قلب او را مالا مال از مهربانی کرده بود - رفتار او با افرادی چون طلحه و زبیر است که یاران حضرت را از او جدا کردند و برای جنگ با ایشان به دشمنانی که در رأس آنان عایشه بود ملحق نمودند و تاریخ شاهد پند و اندرزهای حضرت پیش از جنگ و عفو و بخشش شکست‌خوردگان، پس از جنگ (جمله) می‌باشد.

این جمله از ایشان است که می‌فرمود:

« به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با هر چه زیر آسمان‌هایشان دارند به من دهند تا معصیت خدا کرده و پوست جویی را از مورچه‌ای بگیرم، هرگز چنین نخواهم کرد چرا که دنیای شما برای من کوچک‌تر و بی‌ارزش‌تر از برگ کوچکی است که در دهان ملخی باشد! ».



علی علیه السلام در میدان زندگی چنین نبود که نخست بگوید و سپس عمل کند، بلکه این گفتار ناشی از روح و خصلت عملی بود که انجام می داد و از احساسی بود که حس می کرد و از حیاتی بود که زندگی او بدان بسته بود.

## زهد و پیشرفت

حضرت علی علیه السلام که سرآمد زاهدان تاریخ است به زندگی و دنیا از دید خریداری هواپرست نگاه نمی کرد و آن را برای اهداف والایی که با نفس بزرگ او هم آهنگ باشد، می خواست. به همین جهت در دنیا زهد ورزید و بر خود سخت گرفت. او که زهدی راستین داشت، هیچ گاه حتی در دوران خلافتش حاضر به زندگی در خانه‌ای اشرافی و مجلل نشد. در خانه‌ای کوچک زندگی می کرد و نان جویی می خورد که در خانه‌اش آسیاب شده بود و در حالی که رئیس حکومتی بزرگ بود بسیار پیش می آمد از نان خشکی بخورد که آنرا به زانو شکسته بود. اگر هوا به شدت سرد می شد، پوشاکی که آزار سرما را از او دور کند نداشت، بلکه به همان یک لباس تابستانی که از مدینه به همراه آورده بود، اکتفا می کرد و گاه که لباسش غیرقابل استفاده می شد برای تهیه لباسی دیگر مجبور به فروش یکی از لوازم ضروری زندگی می شد.

برای او که امیرمؤمنان بود از اکناف دنیای اسلامی - همچون دیگر رؤسای حکومت‌ها - هدایای بی نظیری می رسید، اما از ساده‌ترین و بی ارزش‌ترین آن هم برای خود استفاده نمی کرد و آن را به دیگران هدیه می داد. یکی از روزها برای حضرت « فالوده » آوردند، ایشان در حالی که به آن نگاه می کرد گفت: « به خدا که تو بوی خوش، رنگ خوب و طعم لذیذی داری ولی من دوست ندارم نفسم را به چیزی عادت دهم که بدان عادت ندارد ».

اما نکته قابل توجه در زندگی حضرت آن است که ایشان در عین دوری از انواع لذتهای دنیوی لحظه‌ای هم دست از کار و تلاش و کسب روزی حلال چه قبل و چه بعد از خلافتش برنداشت بلکه دیگران را هم برای رسیدن به دنیایی بهتر ترغیب می‌نمود، چراکه: نخست: ایشان زهد را نه به « ترک دنیا » بلکه به « دل نسپردن به آن » می‌دانست و آن را چنین معرفی می‌نمود: « زهد در دنیا یعنی: کمی آرزو، شکر نعمت و پرهیز از حرام ». دیگر آنکه: اگر آتش گرسنگی در دل کسی زبانه کشد، شیره زندگی را در بدنش می‌خشکاند و شعله ایمان را در روح او خاموش می‌سازد و عشق را به کینه‌ای عمیق، تبدیل می‌کند. چراکه نان برای همه نخستین وسیله صلح است و دنیا وسیله‌ای نیکو برای رسیدن به آخرت.

از این رهگذار بود که حضرت امیر علیه السلام می‌فرمود: « برای دنیای خود آنچه‌ان کار کن که گویی همیشه در آن به سر خواهی برد ». <sup>۱</sup> همیشه مردم را به دو موضوع « ایجاد یک زندگی زیبا بر اساس کاری سودمند » و « پاداش به نیکی‌ها »، دعوت می‌نمود.

البته لازم به تذکر است حضرت نیز همانند دیگران از غذای گوارا و پوشاک لطیف و خانه زیبا بیزار نبوده ولی بدین جهت از آن‌ها دوری می‌کند که شاید در میان مردم فقیرانی زندگی کنند که قدرت استفاده از این نعمت‌ها را نداشته باشند.

و تا زمانی که در میان مردم گرسنه‌ای یافت شود که آرزوی شبی سیر خوابیدن و حسرت تکه‌ای نان گرم، همیشه بر دل او باشد، رهبر این مردم نیز باید همانند آنان باشد و رنجی را تحمل کند که بر دوش آن گرسنه سنگینی می‌کند تا بدین شیوه کابوس گرسنگی و فقر از او برطرف گردیده و بتوانند آن را تحمل کنند. و اگر غیر از این باشد، دیگر رهبری و مفهوم حکومت چه خواهد بود؟

۱- و برای آخرت چنان باش که گویی فردا خواهی مرد.

و همیشه این سخن را تکرار می نمودند که « آیا به همین دل خوش کنم که مرا پیشوای مسلمانان بنامند ولی در سختی های زندگی با آنها شریک نباشم؟! ».

البته در نظر ایشان سختی روزگار، زشتی ها و تلخی های فقر و تنگدستی است. او که به خوبی دریافته بود « فقر » می تواند بر هر فضیلتی غلبه کند و فردا وسیله کفر و الحاد او می گردد، خدمت به مردم و رفع نیازهای آنان را به یاران خویش توصیه می نمود و می فرمود:

« به مردم نیکی کنید تا خداوند به شما نیکی کند ».

و فقر را بدترین عامل رکود جامعه و مایه خواری انسانها برشمرده و می فرمود: « فقر مرگی بزرگ است »

« فقر، تیزهوشان را گنگ و لال می نماید ».

## حضرت امیرعلیه السلام و مردم داری

حضرت امیرعلیه السلام با آنکه رنج های فراوانی از اقشار مختلف جامعه در تمام دوران زندگی تحمل کرده بود لحظه ای دست از طرفداری آنها برنداشته، خود و زندگیش را وقف خدمت به مردم نمود، تا آنجا که به تمام کارگزاران حکومتی خویش فرمان داد:

« داد مردم را از خودتان هم بستانید و در رفع نیازمندیهای آنان شکبیا باشید که آنها ذخیره میهن و ملتند. کسی را از حاجتش باز ندارید و از خواسته اش جلوگیری نکنید. لباس زمستانی و تابستانی مردم را به جای مالیاتشان نفروشید و حیوانی را که با آن به کار مشغولند از دستشان نگیرید و به احدی به خاطر یک درهم تازیانه نزنید ».

ایشان در عهدنامه والایی برای مالک اشتر که فرماندار خود در مصر بود، نوشت:

« بر مردم مانند حیوانات درنده مباش که خوردن آنها را غنیمت بشماری! ... و از احتکار جلوگیری کن.»

و در وصیت خویش به دو فرزند بزرگوارش امام حسن و حسین علیهماالسلام می گوید:

« حق بگوید و دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.»

و به آنها توصیه می کرد: « دشمن ستمگر باشید اگرچه از نزدیکانتان باشد و یاور ستمدیده باشید اگر چه در دورافتاده ترین نقاط زمین باشد.»

او که در یاری مردم از هیچ کوششی دریغ نوزید، برای رفع نیازهای مردم در نخلستان‌های مدینه آنچنان کار می کرد که دستانش تاول زده، زخم می شد، سپس دسترنج آن را به بیچارگان و درماندگان می بخشید و یا با آن بردگانی (اسیران غیرمسلمان کشورهای دیگر) را می خرید و بدون درنگ آزاد می ساخت.

و آنچنان در راه خدمت به مردم سرآمد گردید که دشمن سرسخت و بی رحمی چون معاویه نیز لب به مدح او گشوده، می گوید: اگر علی خانه‌ای از طلای ناب و خانه‌ای از نی و علفه داشته باشد، نخست خانه‌ای را که از طلاست می بخشد، آنگاه خانه دیگر را!...

### حضرت امیرعلیه السلام و عدالت الهی

روح عدالت که چون خون در رگهای حضرت جریان داشت و همه جسم و جان او را دربر گرفته بود، ایشان را به انسانی تبدیل نمود که عدالت را حتی در بین نزدیک‌ترین خویشان خود آنچنان اجرا می نمود که به عادل‌ترین مردم مشهور گردید.

او که از بخشیدن مبلغ بسیار ناچیزی از بیت‌المال به برادر خود هم امتناع ورزیده بود، خزینه‌دار بیت‌المال را بدین دلیل که گردنبد مرواریدی را به دختر حضرت امانت داده بود، مؤاخذه کرده، فرمود: «ابورافع! آیا به مسلمانان خیانت می‌کنی؟ همین امروز آنرا - که متعلق به همه مردم است از دخترم - پس گرفته و دیگر تکرار مکن که تو را مجازات می‌کنم.»

و یا آن موقع که دزدی مسیحی از پس دادن زره حضرت امیرعلیه‌السلام خودداری کرده بود با کمال تواضع و بدون در نظر گرفتن پست و مقام خود چون شهروندی عادی او را نزد قاضی برد تا از این راه مال خود را باز پس گیرد. وقتی به دادگاه رسیدند حضرت در جایگاه مخصوص شاکیان در مقابل قاضی قرار گرفت و جریان خود را تعریف کرد. قاضی از مرد مسیحی در مورد ادّعی حضرت امیرعلیه‌السلام پرسید او نیز ادّعی حضرت را رد کرد و گفت این زره مال من است، البته من امیرمؤمنان را دروغگو نمی‌دانم.

کار که به اینجا رسید قاضی به حضرت رو کرده و از ایشان شاهی بر صدق گفتار خود خواست. حضرت تبسمی زده و گفت: قاضی راست می‌گوید! من شاهی ندارم. قاضی نیز به نفع مرد مسیحی حکم نمود و او را مالک زره معرفی کرد. مرد مسیحی که زره را برداشته به راه افتاده بود، لحظه‌ای تأمل کرد و گفت:

من شهادت می‌دهم که این حکم، حکم پیامبران است، پیشوای مسلمین مرا به نزد قاضی می‌آورد و قاضی بر ضد او حکم می‌کند. به خدا قسم این زره از آن توست و من دروغ می‌گفتم.

و این عدالت علوی باعث گردید آن مرد مسیحی که شیفته اسلام و قوانین الهی آن شده بود در همان ساعت مسلمان شود.

به شهادت تاریخ «علی‌علیه‌السلام» تنها بزرگی است که در ساده‌ترین امور زندگی هم عدالت و مساوات با دیگران را فراموش نکرد.

او که حقوق زندگی را برای همگان یکسان می دانست خود حتی در خوراک و پوشاک با فقیرترین مردم یکسان زندگی می کرد تا آنجایی که در هنگام نیاز برای غلامان و کارگران خود لباسی را تهیه می کرد که برای خود تهیه کرده بود، علاوه بر آنکه به غلام خود می گفت: نخست تو هر کدام را می پسندی بردار سپس من دیگری را بر می دارم. مردم نیز بر علیه او قیام نکردند مگر به خاطر شدت عدالتش. چرا که او در عدالت میزان و مقیاسی بود که به هیچ کس متمایل نمی گشت و جز حق چیزی در او تأثیر نمی گذاشت. و اوست تنها دلاوری که می گوید: « با دوست و دشمن به عدالت رفتار کنید ». به راستی که علی علیه السلام بر ازنده این کلام پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله وسلم است که می فرمود:

« علی با حق است و حق با علی است. »

هر کجا علی باشد حق نیز همانجا دور علی می گردد. »

## حضرت امیر علیه السلام و حقوق بشر

امیر المؤمنین علی علیه السلام که نفس رسول الله صلی الله و علیه و آله وسلم و راحت جان او بود در لحظه لحظه های زندگی درس بندگی خدا و خدمت به خلق او را از حضرتش فرا گرفته، عمر گرانمایه اش را در ریشه کنی فقر و بدبختی صرف می کند. خدمت به مردم و یاری ستمدیدگان را مهم ترین وظیفه خود می دانست و می فرمود:

« زبردستان شما بزرگ‌اند و بزرگان شما زبردست! به خدا سوگند تا ستارگان باقی‌اند من به ستم حکم نخواهم کرد. به خدا سوگند، داد ستم‌دیده را از ستمکارش بگیرم و بینی ستمکار را مهار کرده تا او را به سرچشمه حق وارد نمایم، حتی اگر خوشش نیاید. به خدا سوگند، من پیش از آنکه بر علیه حق گواهی دهم خود به آن اعتراف می‌کنم. به خدا سوگند هیچ باک ندارم که من به سوی مرگ بروم یا مرگ به سوی من بیاید.»

در آن روزی که عده‌ای از اشراف و بزرگان عرب شرافت و مال خود را مایه برتری بر دیگران معرفی کردند، حضرت فرمود:

« مردم ذلیل در نزد من عزیزند تا آنکه حقشان را از ظالمین بگیرم و نیرومند در نظر من ضعیف است تا حق را از او بگیرم.»

به درستی که علی بن ابیطالب علیه‌السلام در تاریخ حقوق بشر مقامی بس شامخ دارد و نظریات او در این زمینه که پیوندی صددرصد با اسلام داشته بر دور محوری خاص می‌چرخد و آن: « کوبیدن اشرار»، « برچیدن امتیازات طبقاتی از میان مردم» و « ایجاد برادری و برابری در میان آنها» بود.

## حضرت امیرعلیه‌السلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر

فکر عدالت اجتماعی بر پایه حقوق مردم که برای نخستین بار در اندیشه نیرومند امام شکل گرفته بود او را به بهترین مدافع حقوق بشر تبدیل نمود، تا آنجا که با کمال اطمینان می‌توان گفت او تنها کسی است که با تمام وجود جامه عمل بر تن شعار زیبای « دفاع از حقوق بشر» پوشانده و بعدها منشأ تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر گردید.

البته وقوع اختلاف در عبارات و جزئیات، با توجه به اختلاف زمان‌ها، مسأله‌ای طبیعی است، ولی هیچ ماده اساسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> (و حتی اصول اعلامیه انقلاب فرانسه) منتشر نشده مگر آنکه عین آن را در اصول علی بن ابیطالب علیه‌السلام خواهید یافت، علاوه بر آنکه در دستور و برنامه‌های جامع حضرت علی علیه‌السلام اصولی را خواهید یافت که بی‌شک برتر و بالاتر از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

تفاوت پایه‌گذاران اصول علوی و اعلامیه جهانی:

قبل از بیان برتری‌های اصول حضرت امیر علیه‌السلام بر اعلامیه جهانی لازم است به تفاوت‌های اساسی پایه‌گذاران این دو اعلامیه اشاره کنیم که به نظر ما در چهار نقطه خلاصه می‌شود:

۱) اعلامیه جهانی را هزاران نفر از متفکرین اکثریت یا همه دولتهای جهان وضع کرده، در صورتی که مواد و اصول قانون اساسی علوی را بزرگمرد واحدی به نام علی بن ابیطالب علیه‌السلام وضع نموده است.

۲) حضرت امیر بیش از ۱۴ قرن بر بنیاد گزاران اعلامیه حقوق بشر پیشی گرفته است.

۳) گردآورندگان اعلامیه حقوق بشر، با لاف و گزاف و خودستایی فراوان سراسر دنیا را درباره کاری که می‌خواستند انجام دهند پر ساختند، در حالی که حضرت امیر علیه‌السلام دائماً تواضع داشته و از خداوند و مردم امید آن داشت که از کرده و نکرده‌اش درگذرند و او را ببخشند.

---

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و اعلام شد در ۳۰ ماده شامل موضوعاتی است از قبیل: برخورداری همه مردم- با هر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و غیر آن با هر ملیتی- از آزادی، حقوق، امنیت، قانون و دادگاه یکسان، همچنین هر کس حق انتخاب آزادانه محل اقامت و همسر خود را از هر کشور و در هر کشوری دارا بوده و می‌تواند در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه به واسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شده‌اند، شرکت جوید.



۴) چهارمین و مهم‌ترین تفاوت این است که: اکثر دولت‌هایی که در پیدایش این اعلامیه سهیم بوده‌اند خود اولین پایمال کننده آن هستند و سربازان خود را برای نابودی آن به نام آزادی و دفاع از حقوق بشر - گسیل می‌دارند. در صورتی که حضرت امیرعلیه‌السلام هر جا که قدم نهاد و در هر مقامی که سخن گفت و هر گاه که برق شمشیرش همراه پرتو خورشید درخشید، پرده‌های استبداد را پاره کرد و شکل‌های گوناگون استثمار و خودپرستی را از میان برداشت و ریشه ظلم و ستم را خشکاند. سرانجام در راه دفاع از حقوق بشر و نگهبانی از آزادیهای انسان، جان خویش را فدا نمود و به شهادت رسید.

برتری اصول علوی علیه‌السلام:

اولین برتری اصول علوی علیه‌السلام بر اعلامیه حقوق بشر عبارت است از برخورداری آن از مهر و عاطفه‌ای انسانی و عمیق که اعلامیه حقوق بشر فاقد آن است. برتری دیگر این است که اعلامیه جهانی حقوق بشر مساوات بین تمام اعضاء جامعه را بیان کرده ولی مهم‌ترین مانع مساوات و برابری مردم یعنی ثروت و ثروتمندان را فراموش نموده در حالی که حضرت امیرعلیه‌السلام که بر همه اندیشمندان و متفکران جهان حتی تا اواسط قرن نوزدهم در این امر پیشی گرفته، موانع این برابری را شناسایی نموده، به چاره‌اندیشی آن می‌پردازد و معتقد است:

غرور و خودبینی ثروتمندان که حاصل افزایش بی حساب ثروت آنان است جامعه‌ای را بوجود می‌آورد که هیچ‌گونه مساواتی در بین طبقات مختلف آن باقی نخواهد گذاشت. در واقع ثروتمندان جامعه در سایه گرسنه نگاه‌داشتن فقیران و پایمال شدن حق آنان به جمع‌آوری ثروت بی حساب می‌پردازند.<sup>۱</sup>

۱- حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «هیچ بی‌نوایی گرسنه نمی‌ماند، مگر آنکه ثروتمندی حق او را گرفته» و باز در حدیث دیگری می‌فرمایند: «هیچ نعمت فراوانی را ندیدم مگر آنکه در کنار آن حقی پایمال شده یافتم».

ایشان برای از بین بردن این تضاد و جلوگیری از رشد سرسام آور آن « کار و تلاش را تنها عامل برتری انسانی بر انسان دیگر معرفی کرده و مردم را به « انفاق و کمک به هم‌نوع خود » تشویق می‌کند تا از این راه با ریشه‌کنی فقر ثروتها در بین اقشار جامعه توزیع گردد.

و از طرفی دیگر هرگونه مال، ثروت و ملکی را که « اشراف و بزرگان » از راههای نامشروع به دست آورده بودند، از آنان باز پس گرفته و از طریق بیت‌المال در میان تولیدکنندگان، کارگران و نیازمندان، توزیع و تقسیم می‌نمود و در این راستا بعضی اوقات به صاحبان خانه‌ها و منازل دستور می‌دادند که از آن مستأجرینی که هیچ‌گونه پناهگاه و مسکنی ندارند، کرایه نگیرید. چرا که صاحب‌خانه‌ای که اجاره می‌دهد، به همین دلیل نیازمند آن خانه برای نشستن نیست و از سوی دیگر مستأجر او، جایی برای نشستن ندارد پس بر اوست که به نیازمندان - که همگی برادران دینی او هستند - کمک کند.

آری، این بود نمونه‌ای کوچک از خدمات فراوان حضرت امیرعلیه‌السلام به بشریت و تأثیر اندیشه ژرف و کلام والای او در پیشرفت جوامع بشری.

## دانشمندی فرزانه

علی بن ابیطالب علیه‌السلام که در عقل و اندیشه یگانه و بی‌همتاست محور فکری اسلام و سرچشمه علوم هستی گردید به طوری که هیچ دانشی را نمی‌یابید مگر آنکه علی علیه‌السلام آنرا پایه‌گذاری کرده یا در پیدایش آن سهیم بوده باشد.<sup>۱</sup>

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب « دائرة المعارف علوی » تألیف شیخ علی فلسفی مراجعه شود که در آن به هزار علم از علوم حضرت امیرعلیه‌السلام اشاره کرده و پس از سنجش آن با دانش جهان ایشان را به عنوان پایه‌گذار این علوم معرفی می‌نماید.

نهج البلاغه حضرت امیر علیه السلام که شاهدهی ماندگار بر این ادعاست<sup>۱</sup> هر جمله‌اش گوهری است بی‌مانند در اقیانوس بی‌کران علم حضرت و چراغی است پرفروغ بر دل‌های تشنه علم و دانش و مرحمی است بر قلب‌های خسته.

حضرت امیر علیه السلام که به سرپرستی خزینه‌دار علوم الهی - پیامبر اکرم صلی الله و علیه وآله وسلم - تربیت شده بود، درس آموز مکتب الهی او نیز شد. اخلاق و سیره او را در همه امور آموخت و به ارث برد و این میراث که خود یادمانی از تمام انبیاء پیشین و اسرار عالم هستی بود در قلب و عقل او به طور یکسان نفوذ کرد. تا بدانجا که هنوز با گذشت بیش از ۱۴ قرن از زندگی آن یگانه فرزانه تاریخ، با بررسی سخنان پر راز و رمز او بزرگ‌ترین کشفیات جهان به دست می‌آید و او که در زمینه علوم گوناگونی از قرآن و حدیث گرفته تا جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، پزشکی، حساب و هزاران علم دیگر زبانزد خاص و عام بوده است و در شناخت برق، ذره و اتم و معرفی راه‌های آسمانی و اسرار کهکشان‌ها گوی سبقت را از همه دانشمندان و ستاره‌شناسان جهان ربوده و عالمی را متحیر و شگفت‌زده خویش نموده است.

او که در تیزهوشی و دانایی بی‌نظیر بود یکتا دانشمندی است که در میان خیل جمعیت بر منبر کوفه می‌نشست و با صدای بلند به همگان اعلام می‌نمود:

«پرسید از من - هر مسأله‌ای را که می‌خواهید - قبل از آنکه مرا از دست دهید. پرسید از راه‌های آسمانی که از راه‌های زمینی به آن آشناترم».

آری، او دانشمندی است که همه صاحبان نظر بعد از او به کمال و اصالتش اعتراف کرده، در واقع خود پیروان و شرح‌دهندگان مکتب او شدند.

۱- می‌توانید برای آشنایی بیشتر با سخنان و علوم گوناگونی که حضرت بیان نموده‌اند به نهج البلاغه ترجمه مرحوم محمد دشتی مراجعه نمایید.

به راستی آیا مقصود پیامبر از « دانشمندان » در حدیث « دانشمندان امت من برتر از پیامبران بنی اسرائیل اند » فقط علی علیه السلام نبود؟!

### حضرت امیر علیه السلام متعلق به همه نسل‌ها و عصرها

از آنجا که فطرت آدمی دوست‌دار خوبی و نیکی است هرگاه به خوبی‌ها ستم شود به همه انسان‌ها ظلم شده و هرگاه از یک خوبی تجلیل به عمل آید مایه سرافرازی همه انسان‌ها می‌گردد.

حال اگر حقی، سنگر همه کس و همه چیز، در هر کجا و هر وقتی باشد مانند علی علیه السلام که عرصه صفات نیکویش در حدّ تمامی موجودات است، متعلق به حزب و قبیله‌ای خاص نیست، بلکه او با قلمرو دانش وسیع و فضیلت‌های بی‌مانندش متعلق به همه نسل‌ها و عصرها است. به همین دلیل در میان شخصیت‌های بزرگ کمتر کسی را می‌توان یافت که در حدّ علی علیه السلام بر انسانها در طول تاریخ تأثیر گذاشته که اینچنین از حوادث و وقایع زندگی‌اش یاد کنند.

« مردم دوستی حضرت علی علیه السلام » و « علی علیه السلام دوستی مردم » امری است غیرقابل انکار. این محبت که در دلها موج می‌زند موجب آرامش وجدان آدمیان شده و بشریت را در پناه حق قرار می‌دهد و شرف او را حفظ می‌کند.

آری، دلی که محبت علی علیه السلام در او جای گرفت به سدّی محکم در برابر ناملایمات و ظلم و ستم تبدیل شده که هیچ حادثه و طوفانی آنرا نمی‌شکند.

این رهبر بزرگ پناهگاهی<sup>۱</sup> است برای همه حق‌جویان و عدالت‌طلبان عالم که

پیروی از او، آدمی را از راهنمایی هر کس دیگر بی‌نیاز می‌کند.

نمونه بارز این رهپویی «شیعه» است که با پیروی از خورشید دل‌افروز علوی از تاریکی‌های جهل و کج‌اندیشی عبور کرده و به نور معرفت قدم در صراط مستقیم الهی گذاشته است.

اگر... اگر! من و تو دست نیاز به سوی او دراز کرده و خود را به امواج محبت این دریای بی‌کران بسپاریم، به ساحل رستگاری خواهیم رسید، چرا که تنها حضرت علی علیه‌السلام و عترت پاک حضرت رسول صلی الله و علیه و آله وسلم هستند<sup>۲</sup> که از سرمنزل مقصود آگاهی داشته و پیروان خود را در این راه راهنمایی می‌کنند.

## حضرت امیر علیه‌السلام و اروپاییان

متفکران و محققان بسیاری در قاره اروپا زندگی خود را وقف بررسی تاریخ اسلام نموده‌اند. اینان که سهم بزرگی در کشف بسیاری از حقایق تاریخی دارند سرآغاز مباحث و تحقیقات خود را بررسی سیره حکومت و اخلاق امام علی علیه‌السلام قرار داده و آنچه‌ان در برابر عظمت بیکران شخصیت او متحیر گردیده‌اند که غالباً لب به تجلیل و ستایش او گشوده‌اند.

۱- خداوند متعال در حدیثی قدسی به نبی اکرم صلی الله و علیه و آله وسلم فرمود: «ولایت علی بن ابیطالب قلعه محکم من است، هر کس در این قلعه داخل گردید از عذاب من در امان است».

۲- اشاره به حدیث شریف ثقلین می‌باشد که پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله وسلم در اواخر عمر شریفشان فرمودند: من در میان شما دو چیز گران‌بها باقی می‌گذارم، یکی «قرآن» و دیگری «عترت و خاندانم (اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام)» که اگر به آن دو چنگ زدید هیچ گاه گمراه نشوید...

کارلایل:

او که خاورشناس و فیلسوف انگلیسی است هر گاه در مباحث اسلامی خود به یاد علی بن ابیطالب علیه السلام می افتد، شخصیت علوی حضرت آنچنان او را؛؟؟؟هه دستخوش هیجانی عمیق کرده به او نیرویی می بخشد که از نیش قلم او حقایقی درباره دلاوریهای علی علیه السلام تراوش می کند، طوری که گویی صاحب این قلم یکی از شیعیان و یاران بی همتای علی علیه السلام است.

این عظمت شخصیت حضرت امیر علیه السلام آنچنان او را تحت تأثیر خود قرار داده که درباره اش می گوید:

« علی علیه السلام کسی است که ما ناگزیریم دوستش بداریم و به او عشق ورزیم. او جوانمردی شریف و بزرگوار است که از وجدانش رحمت و نیکی می جوشد. از قلب او شعله دلاوری و حماسه، زبانه می کشد.

او از شیر شجاع تر است لکن شجاعتی آمیخته با رقت و مهربانی. او که هر انسانی را مثل خودش عادل می پنداشت در کوفه ناجوانمردانه و بر اثر شدت عدالتش به شهادت رسید.<sup>۱</sup> کسانی که درباره شخصیت حضرت علی علیه السلام تحقیق می کنند ناگزیر تحت تأثیر احساسی قرار می گیرند که سرچشمه آن عشق و علاقه به نیکی هاست و ناخودآگاه وادار به تحسین و اظهار دوستی می شوند مگر اینکه گرفتار غرض ورزی باشند.

بارون کارادیفو:

او که یک دانشمند اروپایی است هر گاه از حضرت علی علیه السلام سخن می گوید خون گرم حماسه در رگهایش به جریان افتاده و با همه وجود حضرت را به عنوان مردی یگانه و بی همتا و سرمشق تمام خوبی ها معرفی می کند، شهادت او را غیرقابل وصف و عواطف آن حضرت را در بلندترین مرتبه تعالی می داند.

۱- « محمد المثل الاعلی » تألیف کارلایل ترجمه عربی از محمد سباعی، صفحه ۳۴.

وی پس از آنکه پیرامون علاقه و محبت شیعیان به حضرت علی علیه السلام و محبتی که اروپاییان خصوصاً اندیشمندانی چون کارلایل انگلیسی به آن حضرت دارند گفتگو می کند عقیده خود را که دلیلی است بر احترام و محبتی عمیق بر حضرت امیر علیه السلام چنین بیان می کند:

« حضرت علی علیه السلام آن قهرمان دردمند، آن یگه سوار بی مانند عرصه های حق علیه باطل، آن پادشاه ساده پوش و آن امام و پیشوای شهیدی است که روح ژرف او اقیانوس بی انتهای الطاف الهی گردید.»

### کمی هم از دشمنان حضرت بخوانید!

چه می توان گفت در مناقب او که هر چه بگوییم و بنویسیم اگرچه هزاران کتاب شود ذره ای است در مقابل کهکشان بی انتهای فضایل او.

اما به جاست که تصویری دور از هرگونه دروغ و اشتباه از کسانی که در مقابل این اسوه پرهیزکاری و ایمان قد علم کرده و با وی به ستیزه پرداختند ترسیم کنیم تا بدین طریق معنای راستین حق و باطل روشن تر گردد:

معاویة بن ابی سفیان:

او که خود به سرشت ناپاکش افتخار می کرد به ناچاری مسلمان شده بود و به هیچ کدام از آداب اسلامی مقید نبود، حریر می پوشید، در ظرف های طلا و نقره غذا می خورد و از هیچ حرامی دوری نمی کرد، شراب می خورد و زنا می نمود.

قتل و غارت را سرلوحه اعمال خویش قرار داده و به فرمانداران خود می گفت: « هر که را هم عقیده خود نیافتید به قتل برسانید. به هر مرکز عمرانی رسیدید آنرا خراب کنید و اموال

مردم را غارت نمایند. بسیاری از غیر عرب‌ها را بکشید و مابقی را برای خدمت و کارهای سخت نگاه دارید.»

آزادی‌های اسلامی را نابود کرده، شیوه‌های سلطنت رومیان را جایگزین زندگی ساده اسلامی می‌نمود، با این هدف که اسلام را نابود کرده و نام خود را جایگزین نام رسول الله صلی الله وعلیه و آله وسلم در اذان نماید.

هر کجای کشورهای اسلامی کسی را دوستدار و پیرو حضرت امیرعلیه‌السلام می‌دید به قتل می‌رساند و خانه او را ویران می‌کرد و...

نقل احادیث پیامبر توسط مردم را ممنوع می‌کرد و به جای آن به دروغ‌گویان مبالغه‌آمیزی می‌داد تا احادیث جدیدی به نام پیامبر بسازند که از این طریق اسلام راستین را به اسلام مدافع ظالم و ثروتمند تبدیل کند و...

زیاد بن ابیه:

یکی از یاران معاویه و از دشمنان سرسخت حضرت امیرعلیه‌السلام بود که از سوی معاویه فرماندار بصره شد، به همه مردم گفت: «آب و خوراک بر من حرام است تا اینکه بصره را پس از ویرانی، آتش زده و با خاک یکسان سازم. از این پس هیچ کس شب‌ها حق خروج از منزل ندارد و هر که را به این جرم نزد من آورند، خونس را می‌ریزم. به خدا سوگند بسیاری از شما را می‌کشم، پس مراقب باشید شما از کشته‌های من نباشید.»

و در روز اولی که حکومت کوفه را به دست گرفت، درب مسجد کوفه بر جایگاه اختصاصی خود نشست و دست هشتاد نفر از کوفیان را قطع نمود. او که در زمان حضرت علی‌علیه‌السلام جزء دوستان ایشان بود و شیعیان را خوب می‌شناخت، پس از تسلط بر کوفه به وسیله کشتار و قطع دست و پای آنها و به دار آویختن فرد فرد آنها خود را به معاویه و بستگانش نزدیک‌تر می‌نمود.

عبیدالله بن زیاد:



او نیز یکی از همین افرادی است که دهها نفر از بزرگان شیعه همچون میثم تمار و عمرو بن حَمَق را به قتل رساند و بعداً در فاجعه کربلا قهرمان توحش و حیوانیت گردید. مسلم بن عقیل رحمه الله در مورد او می گوید: «از روی غضب و دشمنی، به ناحق خون مردم را می ریزد، سپس آنچنان مشغول بازی و سرگرمی می شود که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است.»

مسلم بن عقبه خونخوار:

او که یکی از یاوران سرسخت بنی امیه بود آنقدر کار ناشایست انجام داد که بدتر از آن تصور نمی شود. یزید نیز پس از پدرش او را به ریاست لشکری به سوی حجاز اعزام نمود و اختیار این سرزمین و مردم آن را به دست او سپرد.

او که مردم مدینه را حیوانی بیش نمی دید آنچنان با شمشیر خونریزی به راه انداخت که از زیادی خون مردم پای رهگذران در خون فرو می رفت!

سه روز مدینه را برای سربازان خود حلال کرد، زنان مدینه را مورد تجاوز قرار داد، مردانشان را کشت، استخوانهای اطفال را مقابل چشم مادران شکست، خانه ها را خراب می نمود، اموال را غارت می کرد و به هر کس از یاران محمد صلی الله و علیه و آله وسلم از مهاجر و انصار که دست می یافت به قتل می رساند!!

آری، نه فقط مسلم بن عقبه بلکه هزاران نفر دیگر از یاران معاویه نیز بودند که هر کدام به شیوه ای برای نابودی حق و حقیقت گام برمی داشتند با این تصور که بشریت حیوانی است که خداوند آن ها را برای بقاء حکومتشان خلق نموده و اینان را همه کاره و صاحب اختیار جان، مال و ناموس آن ها قرار داده است.<sup>۱</sup>

۱- همانطور که در زمان کنونی یهودیان صهیونیسم چنین تصویری نسبت به دیگر نژادها دارند.

## هفت دریا و یک برکه

واقعۀ غدیر یک اتفاق ساده نبود که اثرش از ذهن شاهدان عینی آن پاک شود، آنجا که دوست و دشمن بر ولایت امیر مؤمنان اذعان نمودند و دست بیعت دادند. و چون رسول اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم چشم از جهان فرو بست، نه اینکه واقعۀ غدیر را فراموش کرده باشند بلکه با علم به حقیقت غدیر با آن به دشمنی پرداختند و این بار بت‌های جاننداری را علم کرده، و به دوران جاهلیت بازگشتند و به نام اسلام چون موریانه به شجره طیبه دین حمله ور شده، چهره تاریخ را به ظلم و ستم خویش تیره و تار نمودند.

و این در حالی بود که اگر «مدینه غدیر» تشکیل می‌شد و رهبر آن در خانه‌اش زندانی نبود، عمل به اسلام اصیل ادامه می‌یافت و در سایه ولایت علوی نسل‌های بعد در آرامش و عدالت به سر می‌بردند. چنانکه پیامبر فرمودند: «اگر خلافت اسلامی را به علی بسپارید، رهبری خواهید داشت که شما را به راه مستقیم (به سوی قلّه‌های بلند موفقیت در همه امور دنیا و آخرت) هدایت کند».<sup>۱</sup>

اما افسوس و صد افسوس! که بی‌خردان دوران حضرت امیر او را تنها گذاشته و به جای پیروی از او، شمشیر جهل و تعصب به رویش کشیدند که اگر چنین نمی‌کردند فقر و بدبختی در سایه مدینه غدیر ریشه کن می‌شد.

از آن پس در هر کجای عالم ظلمی رخ داد و حقی ربوده شد از پیامدهای آن روز سیاهی<sup>۲</sup> بود که مهم‌ترین حق بنی‌آدم ربوده شد و خفاشان در لباس کبوترانی مهربان شروع به مکیدن خون انسانیت کرده، بشریت را از هر گونه پیشرفت مادی و معنوی بازداشتند.

۱- تاریخ بغداد: تألیف حافظ ابوبکر خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۴۷.

۲- روزی که در جلسه‌ای به نام «سقیفه» عده کمی از سران جاهلیت، صفحات آتی تاریخ را سیاه کرده و بشریت را از حق مسلم خویش در بهره‌برداری از حقی الهی محروم ساختند و آن را از حضرت امیر علیه‌السلام غصب نمودند.

قتل دانشمندان و هتک حرمتشان، سنتی همیشگی گردید و خونریزان تاریخ جرأت به هر خیانتی یافتند.

و در هر کجای عالم اثری از انسانیت و آزادگی دیدند به نابودیش پرداختند و جهان و جهانیان را از خوبی‌ها محروم کرده امثال هیتلر، موسولونی، صدام، شارن و هزاران هزار ظالم خونخوار دیگر رشد یافتند که خود عاملی بود که هر حیوان صفت دیگری احساس قدرت در نابودی بشریت به دست آورد و...

## ما و غدیر

اما و صد اما! علی علیه السلام بی مانند و سایه عدل خداوند، او که خلیفه راستین خدا و جانشین ختم المرسلین صلی الله و علیه و آله وسلم بود،  
آیا روز آغاز حکومتش عید نیست!

\* \* \*

آری عزیزم! دوستدار علی و فاطمه علیهما السلام:  
اکنون که غدیر در راه است - این بزرگترین عید بزرگ - عید ابراز ولایت مولا و آغاز حکومت مرتضی علیه السلام،

باید علی علیه السلام را که نخستین منادی و حمایتگرش سرچشمه همه خوبی‌ها و پاکی‌ها حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام بود، همراهی کنیم. همانند او باشیم که در راه ابلاغ پیام غدیر، با آن خطابه و کلام پرشور از سینه مجروحش فریاد می‌کشید:

شگفتا... غدیر را - آیا - فراموش کرده‌اید؟!

فراموش کرده‌اید یا خود را به فراموشی زده‌اید؟!

و با آنکه در راه دفاع از غدیر ساقه وجودش را شکستند، لحظه‌ای آرام ننشست و آنقدر بر این حق از دست رفته پافشاری کرد که دشمنان گلخانه‌اش را به آتش کشیدند و با لگد کوبی گلخانه، باغبان مهربانش را دست بسته میان کوچه‌ها بردند تا غدیر را زیر پای سقیفه ذبح کنند!!

اینگونه بود که برای همه غدیریان اسوه گشت و اینسان به ما آموخت که دارو ندار خویش را در این راه باید داد و به همه رنج‌ها و شکنجه‌ها، سوخت و ساخت - روح عالمیان به فدایش باد.

پس بیایید دست در دست یکدیگر گذاشته و این عید عظیم را با دقت، فکر، ذوق، کار، مال و جانمان زیباتر از همیشه برگزار کنیم. وجهانی را مهیای ظهور حضرت مهدی علیه السلام یگانه یادگار «امیر غدیر» نماییم. باشد که از این راه غمی از دل او زدوده باشیم.

زهی سعادت اگر لبخند رضایتی، دعای خیری و یا گوشه چشمی از ساحت مقدس حضرتش برای این اندک تلاشمان عیدی بگیریم.

خدا کند مولایمان ما را از منادیان غدیر و موالیان امیر علیه السلام به شمار آرد و به زودی زود با ظهورش «غدیر» این زیباترین عید زیبا را هر چه با شکوه‌تر جشن گرفته و دست در دست یکدیگر گذاشته و اینچنین میثاق یاری بسته و بخوانیم:

«در راه خدا، با تو پیمان برادری و صفا و یک رویی می‌بندم و دست در دستت می‌نهم و با خدا و فرشتگان و رسولان و پیامبران علیهم السلام و با همه پیشوایان

معصومان علیهم السلام عهد می بندم که اگر از اهل شفاعت و بهشت رضوان باشم و خدا اجازه دهد تا در آن وارد شوم، داخل نشوم مگر با تو. و اکنون از جانب خود، تمام حقوق برادری را - که رعایتش لازم می نمود - از دوش تو برداشتم، جز آن که: برایم در قیامت شفاعت نمایی، دعایم کنی و به دیدنم آیی.<sup>۱</sup>

\* \* \*

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ  
مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام

عید سعید غدیر ۱۴۲۴ ه. ق

هیئت بیت العباس علیه السلام

۱- « دعای عهد » ، مفاتیح الجنان.

### مسابقه بزرگ امیر غدیر

۱. بنا به فرمایش حضرت علی علیه السلام دوست واقعی انسان کیست؟
  - الف) دوست تو کسی است که هر گاه نگاهت به او خورد تو را به یاد خداوند بیاندازد.
  - ب) دوست تو کسی است که تو را از زشتی بازدارد.
  - ج) دوست واقعی کسی است که در غم و شادی‌ها یاور انسان باشد.  (د) الف و ب
۲. پیامبر اکرم به دستور چه کسی در عید غدیر حضرت علی علیه السلام را به عنوان رهبر به مردم معرفی کردند؟
  - الف) به دستور خداوند متعال
  - ب) به خواهش دوستان
  - ج) خودشان چنین تصمیمی گرفتند.
  - د) به درخواست خود حضرت علی علیه السلام
۳. کدام آیه قرآن کریم در روز عید غدیر خم نازل گردید؟
  - الف) آیه ۳ سوره مائده  (ب) آیه ۵۵ سوره مائده
  - ج) آیه ۶۷ سوره مائده  (د) الف و ج
۴. معنای زهد را از نظر حضرت امیر علیه السلام بیان کنید.
  - الف) کمی آرزو  (ب) شکر نعمت
  - ج) پرهیز از حرام  (د) هر سه مورد
۵. کدام جمله از حضرت امیر علیه السلام نیست؟
  - الف) دشمن ستمگر باشید اگر چه از نزدیکانتان باشد.
  - ب) فقر مرگ بزرگی است.

ج) کسی را از حاجتش باز ندارید و از خواسته‌اش جلوگیری نکنید. (د) هیچ کدام

۶. پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم بهترین عید اسلامی را کدام عید معرفی کردند؟

الف) عید قربان  ب) عید فطر

ب) عید غدیر  د) روز جمعه

۷. این جمله از کیست؟ « شگفتا غدیر را فراموش کرده‌اید؟ »

الف) حضرت زهرا علیها السلام  ب) پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم

ج) امام علی علیه السلام  د) حضرت مهدی علیه السلام

۸. اولین مدافع ندای غدیر کیست؟

الف) حضرت علی علیه السلام  ب) حضرت زهرا علیها السلام

ج) سلمان فارسی  د) ابوذر غفاری

۹. وظیفه ما در عید غدیر چیست؟

الف) دعا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ب) برپا نمودن مجالس جشن و شادی

ج) دیدوبازدید از شیعیان و از نو کردن عهد دوستی با آنان

د) هر سه مورد